

کودکان سنگ

اثر نزار قبانی

هزار قرن کوچکتر  
بزرگوارید  
هزار قرن بزرگتر  
به کارنامه پدران تان توجه نکنید  
به ادبیات پدران تان کاری نداشته باشید  
هیچ شباهتی با ما نداشته باشید  
ما بت‌های شما هستیم  
ما را پرستش نکنید  
سیاست زده شده‌ایم  
با مورفین سیاست مردم را بی‌هوش می‌کنیم  
سرکوب می‌کنیم  
گورستان‌ها و زندان‌ها را  
آباد می‌کنیم  
ما را برهانید... آزاد کنید  
از عقده ترس و نقص  
از کله مان مورفین را طرد کنید  
به ما بیاموزید  
هنر چنگ زدن به زمین را

اجازه ندهید مسیح غمگین باشد  
دوستان کوچک مان  
درود بر شما  
روزتان شکوفا باد  
از گزند روزگار خداوند یار و یاورتان باد  
از شکاف‌های زمین خراب برانگیخته شده‌اید  
زخم‌های مان را با گل نسرین درمان کرده‌اید  
انقلاب آگاهی و رهائی فرا رسیده است  
انقلاب دفتر و قلم همگانی شده است  
سرود آزادی را زمزمه کنید  
شکوه و شجاعت ببارید  
زشتی‌ها را بشوئید  
ما را پاک گردانید  
از فرعونیان و جادوگران موسی نهراسید  
برای چیدن زیتون آماده شوید  
قدرت صهیونیسم پوچ است  
به زودی فرو می‌ریزد  
ای دیوانگان غزه  
ای ماجراجویان غزه  
اگر اعتماد به نفس پیدا کنید  
پیروزید  
درود بر دیوانگان غزه  
که ما را آزاد کرده‌اند  
عصر منطق گرایی  
دوران سیاست بازی  
از سال‌ها پیش سپری گشته است  
دانش آموزان غزه  
دیوانگی را به ما بیاموزید

دانش آموزان غزه  
به ما بیاموزید  
مردانگی و شجاعت را  
همه چیز را فراموش کرده‌ایم  
به ما بیاموزید  
مردانگی را  
مردان ما فراوانند  
ولی عجیب شده‌اند  
به ما بیاموزید  
کودکان تان چگونه سنگ را  
به زمرد تبدیل می‌کنند؟  
به ما بیاموزید  
کودکانتان چگونه  
دو چرخه را بمب گذاری می‌کنند؟  
ودشمن را با طناب ابریشم خفه می‌کنند؟  
چگونه هنگام بازداشت  
شیشه شیر را به سلاح سرد تبدیل می‌کنند؟  
دانش آموزان غزه  
به رسانه‌های اطلاع رسانی مان توجه نکنید  
نه بشنوید و نه ببینید  
بزیند... بگوئید...  
با تمام وجود بگوئید  
حرفتان را یکی کنید  
به ما کاری نداشته باشید  
ما اهل حساب و کتاب هستیم  
منطق گرا هستیم  
آینده نگر هستیم  
ما را رها کنید  
ما فراری هستیم  
از خدمت سربازی فرار کرده‌ایم  
مبارزه تان را ادامه دهید  
ما را بر چوبه دار آویزان کنید  
ما مردگان هستیم  
مردگانی بی‌گور  
نا بینا هستیم  
وبی سرپرست  
مانند موش سوراخ نشین هستیم  
تقاضا داریم با هیولا بجنگید  
دانش آموزان غزه  
کوچک شما هستیم

در ستایش مقاومت غزه

اثر محمد شفیعی کدکنی

در این شب‌ها  
که گل از برگ و برگ از باد  
و باد از ابر می‌ترسد  
در این شب‌ها  
که هر آینه با تصویر بیگانه است  
و پنهان می‌کند هر چشمه‌ای  
سر و سرودش را  
چنین بیدار و دریا وار  
توئی تنها که می‌خوانی  
توئی تنها که می‌خوانی  
رثای قتل عام و خون پامال تبار  
آن شهیدان را  
توئی تنها که می‌فهمی  
زبان و رمز آواز چگور  
نا امیدان را  
بر آن شاخ بلند  
ای نغمه ساز باغ بی برگی!  
بمان تا بشنوند از شور آواز  
درختانی که اینک در جوانه‌های خرد باغ  
در خوابند  
بمان تا دشت‌های روشن آینه‌ها  
گل‌های جویباران  
تمام نفرت و نفرین این ایام غارت را  
ز آواز تو دریابند  
تو غمگین تر سرود حسرت  
و چاووش این ایام  
تو بارانی ترین ابری  
که می‌گرید  
به باغ مزدک و زرتشت.  
تو عصبانی ترین خشمی  
که می‌جوشد  
ز جام و ساغر خیام